

امام علی (ع) از دیدگاه دکتر شریعتی

11 فروردین 1403

آنچه می خوانید منتخبی از دست نوشته ها و سخنرانی های دکتر علی شریعتی درباره امیر المومنین حضرت علی (ع) است:

«... سخن گفتن درباره علی (ع) بی نهایت دشوار است، زیرا به عقیده من، علی (ع) يك قهرمان یا يك شخصیت تاریخی تنها نیست. هر کس درباره علی (ع) از ابعاد و جهات مختلف بررسی کند، خود را نه تنها در برابر يك فرد، يك فرد برجسته انسانی در تاریخ می بیند، بلکه خود را در برابر معجزه ای و حتا در برابر يك مساله علمی، يك معمای علمی «این خلقت» احساس می کند. بنابراین درباره علی (ع) سخن گفتن برخلاف آنچه که در وهله اول به ذهن می آید، درباره يك شخصیت بزرگ سخن گفتن نیست، بلکه درباره معجزه ای است که به نام انسان و به صورت انسان در تاریخ متجلی شده است.

علی (ع) یکی از شخصیت های بزرگی است که به نظر من بزرگترین شخصیت انسانی است (پیغمبر (ص) را باید جدا کرد که رسالت خاصی دارد) که از همه وقت، امروز ناشناخته می بود، بدشناخته تر است که کیست، محققین او را برای اولین بار می شناختند.

گاه علی (ع) را که توی این جنگ ها يك قهرمان شمشیرزن است، توی شهر يك سیاستمدار پرتلاش حساس است و توی زندگی يك پدر و يك همسر بسیار مهربان و بسیار دقیق است و يك انسان زندگی است و در همه ابعادش می بینیم، تاریخ می گوید، تنها در نیمه شب ها، توی نخلستانهای اطراف مدینه می رفته و نگاه می کرده که کسی نبیند و نشوند و بعد سر در حلقوم چاه فرو می برده و می نالیده! هرگز، من نمی توانم قبول کنم که رنج های مدینه و رنج های عرب و جامعه عرب و حق جامعه اسلامی و حتا یارانش، این روحی را که از همه این آفرینش بزرگتر است وادار به چنین نالیدنی بکند، هرگز!

درد علی (ع) خیلی بزرگتر است و آن درد خیلی باید درد نیرومندی باشد، که این روح را این اندازه بی تاب بکند! مسلما این همان درد انسانی است که خود را در این عالم زندانی می بیند، انسانی است که خود را بیشتر از این عالم می بیند و احساس خفقان در این عالم می کند.

مسلما هر کسی که انسان تر است، پیش از آنچه هست در خود نیاز احساس می کند، انسان است، این است که می بینیم علی (ع) قهرمان متعالی سخن گفتن و زیبا سخن گفتن و پاك سخن گفتن است، نمونه اعلا و متعالی شهادت و گستاخی در جنگ است، نمونه عالی پاکی روح در حد اساطیر و تخیل فرضی انسان در طول تاریخ است، نمونه اعلاي محبت و رقت و لطافت روح است، نمونه عالی دوست داشتن در حد نمونه های اساطیری است، نمونه عالی عدل خشك دقیقی است که حتا برای مرد خوبی مانند عقیل - برادرش - قابل تحمل نیست، نمونه اعلاي تحمل است در جایی که تحمل نکردن، خیانت است و نمونه اعلاي همه زیبایی هایی است و همه فضایی است که انسان همواره نیازمندش بوده و ندانسته.

علی (ع) نه تنها امام است، در طول تاریخ هیچ شخصیتی با این امتیاز را نداشته که يك خانواده امام (ع)

است، یعنی خانواده اساطیری است، خانواده‌ای که پدر علی (ع) است، مادر زهرا (س) است، پسر آن خانواده حسین (ع) [و حسن (ع)] است و دختر آن خانواده زینب (س) است.

چهره‌ایی که می‌خواهم، در قرن بیستم، به عنوان سمبل و تجسم يك ایدئولوژی مطرح و عنوا کنم، دارای این خصوصیات است. البته این کامل‌ترین خصوصیاتش نیست، اما اساسی‌ترین آنهاست

علی (ع) نخستین نسل در انقلاب اسلامی، علی (ع) در خانه پسرعمو، رابطه متقابل پیغمبر (ص) و علی (ع)، علی (ع) مظهر جهاد و رهبری جنگ، علی (ع)، مرد سیاست و مسئولیت اجتماعی، علی (ع) مرد کار یدی، کشاورزی و تولید، علی (ع) مظهر نثر و شعر علی (ع) بهترین سخنور و سخنگو، علی (ع) فیلسوف، علی (ع) مظهر بینش‌ها و ابعاد متضاد، علی (ع) زهد انقلابی و عبادت، تکیه بر عدالت، علی (ع) تساوی در مصرف، علی (ع) امام و مظهر حقیقت‌ها و ارزش‌ها، علی (ع) نفی مصلحت به خاطر حقیقت، نفی شخصیت، علی (ع) انسان‌دوستی.

درد علی (ع) دو گونه است: يك درد، دردی است که از زخم شمشیر ابن ملجم در فرق سرش احساس می‌کند و درد دیگر دردی است که او را تنها در نیمه‌های شب خاموش به دل نخلستانهای اطراف مدینه کشانده ... و به ناله درآورده است ... ما تنها بر دردی می‌گرییم که از شمشیر ابن ملجم در قرق سرش احساس می‌کند. اما این درد علی (ع) نیست، دردی که چنان روح بزرگی را به ناله درآورده است، «تنهایی» است که ما آن را نمی‌شناسیم!



باید این درد را بشناسیم، نه آن درد را که علی (ع) درد شمشیر را احساس نمی‌کند و ... ما درد علی (ع) را احساس نمی‌کنیم.

ما ملتی که افتخار بزرگ انتصاب به علی (ع) و مکتب علی (ع) را داریم و این بزرگترین افتخار تاریخی است که می‌تواند بدان بنازد و بالاخره بزرگترین سرمایه، امیدی است که می‌تواند به وسیله آن نجات پیدا کرده، به آگاهی، بیداری، حرکت و رهایی برسد، اما در عین حال می‌بینیم که با داشتن علی (ع) و با داشتن «عشق به علی» هم نرسیده‌ایم!

در صورتی که «شیعه علی (ع) بودن» از «چون علی (ع) عمل کردن» شروع می‌شود و این مرحله‌ای

است پس از شناخت و پس از عشق.

بنابراین ما يك ملت «دوستدار علی (ع)» هستیم، اما نه «شیعه علی (ع)»! چراکه شیعه علی (ع) همچنان که گفتم علی (ع) وار بودن، علی (ع) وار اندیشیدن، علی (ع) وار احساس کردن در برابر جامعه، علی (ع) وار مسئولیت احساس کردن و انجام دادن و در برابر خدا و خلق، علی (ع) وار زیستن، علی (ع) وار پرستیدن و علی (ع) وار خدمت کردن است...